

جمعه 18 فروردین 1396 - 9 رجب 1438 - 7 آوریل 2017

اخراج هزاران ایرانی مقیم عراق توسط رژیم بعث این کشور (1359 ش)

**اخراج هزاران ایرانی مقیم عراق توسط رژیم بعث این کشور (1359 ش)**

صدام، از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بغض و کینه خود را نسبت به ایران اسلامی آشکار می‌ساخت و به طور آشکار و پنهان، در صدد تعرض به انقلاب اسلامی برآمد. وی ابتدا ستون پنجم خود را برای اقدامات تخریبی به شهرهای مختلف ایران به ویژه نقاط مرزی مانند خرمشهر، آبادان و اهواز اعزام کرد. همچنین از اوایل سال 1358، هزاران ایرانی تبعه عراق را از جوار اماکن متبرکه نجف، سامرا، کربلا و کاظمین به طرز رقت انگیزی اخراج و اموالشان را مصادره نمود. در همین راستا، در چنین روزی، رژیم بعثی عراق که خود را برای حمله وسیع و سراسری به ایران آماده می‌کرد عده بی‌شماری از ایرانیان مقیم این کشور را به وسیله کامیون تا مرز آورده و آنها را به همان وضع رها نمود. در این حال، مقامات محلی ایران، از رانده شدگان به عنوان مهمان جمهوری اسلامی استقبال کردند و امکانات رفاهی برای آنان فراهم نمودند. اخراج ایرانیان و شیعیان در روزهای بعد نیز ادامه یافت و صدها هزار نفر در این جریان بی‌خانمان و آواره شدند. در همین حال، وزیر امور خارجه عراق طی نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل متحد با استناد به روحیه توسعه‌طلبی دولت ایران، خواستار خروج ایران از سه جزیره عربی ابوموسی و تنب کوچک و بزرگ شد. در روزها و ماه‌های بعد، تعرضات رژیم بعث با حمایت بیگانگان رو به افزایش نهاد تا اینکه در 31 شهریور 1359، جنگ هشت ساله‌ای را به ایران اسلامی تحمیل نمود.

بمباران شدید شیمیایی مواضع ایران توسط دشمن بعثی (1366 ش)

همزمان با آغاز عملیات کربلای 8 توسط رزمندگان جان برکف اسلام، دشمن به گونه‌ای بی‌رحمانه و بی‌سابقه علیه رزمندگان مستقر در خرمشهر، به بمباران و گلوله‌باران شیمیایی با گلوله‌های توپ، خمپاره و حتی موشک‌های کاتیوشا اقدام نمود که به شهادت و مصدوم شدن شماری از خداجویان سپاه توحید منجر گشت. این بمباران وحشیانه با اعتراض شدید و شکایت جمهوری اسلامی ایران به سازمان ملل متحد مواجه گردید و ایران خواهان اعزام گروه کارشناسی سازمان ملل متحد شد. به دلیل پایداری و تأثیر بیشتر عوامل به کار گرفته شده در سلاح‌های شیمیایی، تیم کارشناس اعزامی از سازمان ملل، که ده روز پس از حمله، وارد منطقه شد، موفق گردید نوع عوامل به کار گرفته شده را تشخیص دهد. با این حال همانند گذشته بی‌اعتنا از کنار این حادثه و حوادث بعد از آن گذشتند؛ تا این که ابعاد گسترده و پیچیده‌تر عواقب شوم کاربرد سلاح‌های شیمیایی، دامنگیر مردم مسلمان و بی‌گناه حلبچه، روستاهای اطراف آن و مردم کردستان عراق شد.

رحلت عالم بزرگوار و عارف با الله آیت‌الله "سید عبدالکریم کشمیری" (1378 ش)

آیت‌الله سیدعبدالکریم کشمیری در سال 1305 ش (1345ق) در نجف اشرف به دنیا آمد. وی پس از فراگیری دروس مقدمات در نجف، در حلقه درس خارج آیات عظام: سید ابوالقاسم خویی، سیدعبدالعالی سبزواری، سید عبدالهادی شیرازی و شیخ محمدکاظم شیرازی قرار گرفت. آیت‌الله کشمیری به دلیل هوش سرشار خویش توانست در کوتاه‌ترین زمان، درجه اجتهاد را از آیت‌الله خویی دریافت دارد و آن گاه به تدریس سطوح عالی فلسفه در حوزه بپردازد. پشتکار آیت‌الله کشمیری در تدریس به گونه‌ای بود که روزانه 11 کرسی درس اعم از فقه، اصول، فلسفه و ادبیات عرب برای ایشان برپا می‌شد. افزون بر تدریس، پژوهش و نگارش. در سیر معنوی و تهذیب نفس نیز به مراتب عالی دست یافت و صاحب کرامت‌هایی گردید. در پی سخت‌گیری‌های رژیم بعث عراق، به طور پنهانی همراه خانواده، راهی ایران شد و در مرز ایران و عراق، همه نگاشته‌های علمی ایشان به دست نیروهای امنیتی عراق افتاد. آیت‌الله کشمیری از آن پس در شهر مقدس قم اقامت گزید و به تهذیب نفس، پرورش شاگردان و انجام امور مذهبی و علمی همت گماشت. سرانجام این عارف سترگ و عالم برجسته در 18 فروردین 1378 ش برابر با بیستم ذی‌حجه 1419 ق پس از طی يك دوره بیماری در 73 سالگی جان به جان آفرین تسلیم کرد و پس از اقامه نماز توسط آیت‌الله بهجت، در حرم مطهر حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد.

انتشار مجله "دانشکده" به مدیریت ملک الشعراء بهار(1336 ق)

مجله دانشکده در تهران تحت نظر هیئت موسسه دانشکده و به مدیریت ملک الشعراء بهار تاسیس و در سال ۱۳۳۶ هجری قمری منتشر شد آغاز تاسیس مجله برج ثور سال ۱۲۹۷ هجری شمسی مطابق ۱۳۲۶ هجری قمری و ۱۹۱۸ میلادی می باشد. رشید یاسمی که خود عضو هیئت موسسه و از نویسندگان مجله بوده در کتاب تاریخ ادبیات معاصر درباره مجله دانشکده می نویسد: "مجله دانشکده را ملک الشعراء بهار در سال ۱۳۳۶ هجری قمری برای نشر آثار انجمن ادبی دانشکده تاسیس کرد. این انجمن نخست جرگه دانشوری نام داشت و در سال ۱۳۲۵ هجری قمری به سعی چند تن از دوستان ادب از جمله نگارنده دایر شده بود سال بعد دانشکده خوانده شد. مرام این انجمن ترویج معانی جدید در لباس شعر و نثر قدیم و شناساندن موازین فصاحت و حدود انقلاب ادبی و لزوم احترام آثار فصحا متقدم و ضرورت اقتباس محاسن نثر اروپایی بود و در آن روزگار خدمتی شایان به ادبیات کرد." مجله دانشکده دومین مجله ادبی بود که در عالم مطبوعات زبان فارسی ظاهر گردید و پس از مجله بهار در ایران انتشار یافت. دانشکده مجله ای بود ادبی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی و تاریخی و مندرجات آن مطالبی تحت عناوین مذکور که به قلم مدیر مجله ملک الشعراء بهار یا یکی از اعضای هیئت موسس دانشکده تدوین می گردید و یا از کتب ادبا و نویسندگان خارجی ترجمه می شد. از قسمت های عمده و مهم مندرجات مجله، تاریخ ادبیات فارسی تحت عنوان "تاریخ ادبی" تألیف عباس اقبال، استاد دانشکده بود که در چند شماره مجله به چاپ رسید و این سلسله مقالات از مندرجات بسیار سودمند و مفید مجله به شمار می رفت. در این مقالات عباس اقبال پس از تمهید مقدمه راجع به ادبیات قبل از اسلام، تاریخ ادبیات زبان فارسی بعد از اسلام را به شش عصر تقسیم نموده بود: "۱- از ظهور اسلام تا ظهور غزنویان، ۲- از ظهور غزنویان تا تشکیل دولت سلجوقی، ۳- از تشکیل دولت سلجوقی تا حمله مغول ۴- از حمله مغول تا تشکیل دولت صفویه ۵- از تشکیل دولت صفویه تا دولت قاجاریه ۶- از سلسله قاجار تا مشروطیت ایران". سلسله مقالات دیگر مجله مقالاتی بود با عنوان "انقلاب ادبی" به قلم رشید یاسمی عضو هیئت موسس مجله دانشکده، این مقالات شامل تاریخ انقلاب ادبی فرانسه از قرن ۱۸ تا قرن ۲۰ به علاوه شرح حال عده ای از نویسندگان بزرگ فرانسه بود. رشید یاسمی مقالات خود را از کتب ترجمه می کرد که در محل خود بسیار مفید بود. قسمت دیگر از مندرجات مجله ترجمه هایی

از مولفین خارجی مانند شیللر آلمانی بود. علاوه بر اینها مقالاتی تحت عنوان "انتقاد ادبی" به قلم مدیر مجله و اشعاری اثر طبع وی نیز درج می شد. از همان شماره اول مجله ترجمه رمان "سلطنت" تالیف "الکساندر دوما" به ضمیمه مجله چاپ ، به طوری که می توانستند در پایان سال آن را به صورت کتاب مجزایی در آورند. مجله دانشکده از مجلات بسیار مفید و خوب زبان فارسی بود که می توان آن را گنجینه ای از مطالب ادبی و تاریخی دانست. گرچه عمر این مجله زیاد دوام نیاورد ، با نشر شماره ۱۲ سال اول برای همیشه در محاق تعطیل فرو رفت ولی همان شماره های موجود حکایت از کمال ذوق و وسعت اطلاع مدیر و نویسندگان مجله می نماید. بهای سالیانه مجله همه جا ۳۰ قران و تک نمره آن دو قران بود. محل اداره مجله مدتی تهران اداره نوبهار و چندی هم در اداره روزنامه ایران و محل طبع آن مطبعه تهران بود. شماره ۱۲ و ۱۱ سال اول مجله یکجا در تاریخ برج ثور ۱۲۹۸ هجری شمسی مطابق ۲۰ آوریل ۱۹۱۹ میلادی منتشر گردید و مقاله افتتاحی آن تحت عنوان "یکسال تمام" به چاپ رسید. قسمت اول این مقاله چنین بود: "دوازدهمین شماره مجله دانشکده منتشر شد که نتیجه فکر و مساعی جوانان ادیب و نو خاستگان عالم ادب با بی اسبابی تمام و نداشتن مجال و اشتغال به تحصیلات و امتحان های سالیانه ، باز با بهترین طرز و جدی ترین اسلوبی در نمرات دوازده گانه مجله منعکس و به ارباب ذوق اهدا گردید. بی شک انکار نداریم که ایران به مجلات ادبی کامل تر و جامع تر و زیباتری محتاج بوده و نمی توان به یک مجله کوچک قناعت ورزید زیرا ایران سر زمین فکر و خیال و ذوق و فلسفه است و اختصاصی که در عالم احراز نموده همانا به ادبیات و شعر و افکار تابنده دلنشین متفکرین زیر دست خود بوده ...". از جمله افرادی که در این مجله می نگاشتند می توان به عباس آشتیانی رشید یاسمی ، اصغر شیرازی ، علی اصغر حکمت ، حیدر علی کمانی و سید اسد الله انتظام اشاره کرد.

انتشار مجله rlm&"دانشکده" به مدیریت ملک الشعراء بهار(1336 ق)

مجله دانشکده در تهران تحت نظر هیئت موسسه دانشکده و به مدیریت ملک الشعراء بهار تاسیس و در سال ۱۳۳۶ هجری قمری منتشر شد آغاز تاسیس مجله برج ثور سال ۱۳۹۷ هجری شمسی مطابق ۱۳۳۶ هجری قمری و ۱۹۱۸ میلادی می باشد .رشید یاسمی که خود عضو هیئت موسسه و از نویسندگان مجله بوده در کتاب تاریخ ادبیات معاصر درباره مجله دانشکده می نویسد: " مجله دانشکده را ملک الشعراء بهار در سال ۱۳۳۶ هجری قمری برای نشر آثار انجمن ادبی دانشکده تاسیس کرد. این انجمن نخست جرگه دانشوری نام داشت و در سال ۱۳۳۵ هجری قمری به سعی چند تن از دوستان ادب از جمله نگارنده دایر شده بود سال بعد دانشکده خوانده شد.مرام این انجمن ترویج معانی جدید در لباس شعر و نثر قدیم و شناساندن موازین فصاحت و حدود انقلاب ادبی و لزوم احترام آثار فصحای متقدم و ضرورت اقتباس محاسن نثر اروپایی بود و در آن روزگار خدمتی شایان به ادبیات کرد." مجله دانشکده دومین مجله ادبی بود که در عالم مطبوعات زبان فارسی ظاهر گردید و پس از مجله بهار در ایران انتشار یافت . دانشکده مجله ای بود ادبی، اجتماعی ، اخلاقی، فلسفی و تاریخی و مندرجات آن مطالبی تحت عناوین مذکور که به قلم مدیر مجله ملک الشعراء بهار یا یکی از اعضای هیئت موسس دانشکده تدوین می گردید و یا از کتب ادبا و نویسندگان خارجی ترجمه می شد .از قسمت های عمده و مهم مندرجات مجله، تاریخ ادبیات فارسی تحت عنوان "تاریخ ادبی " تالیف عباس اقبال، استاد دانشکده بود که در چند شماره مجله به چاپ رسید و این سلسله مقالات از مندرجات بسیار سودمند و مفید مجله به شمار می رفت. در این مقالات عباس اقبال پس از تمهید مقدمه راجع به ادبیات قبل از اسلام، تاریخ ادبیات زبان فارسی بعد از اسلام را به شش عصر تقسیم نموده بود: "۱-از ظهور اسلام تا ظهور غزنویان . ۲-از ظهور غزنویان تا تشکیل دولت سلجوقی. ۳-از تشکیل دولت سلجوقی تا حمله مغول ۴- از حمله مغول تا تشکیل دولت صفویه ۵- از تشکیل دولت صفویه تا دولت قاجاریه ۶- از سلسله قاجار تا مشروطیت ایران". سلسله مقالات دیگر مجله مقالاتی بود با عنوان "انقلاب ادبی " به قلم رشید یاسمی عضو هیئت موسس مجله دانشکده، این مقالات شامل تاریخ انقلاب ادبی فرانسه از قرن ۱۸ تا قرن ۲۰ به علاوه شرح حال عده ای از نویسندگان بزرگ فرانسه بود.رشید یاسمی مقالات خود را از کتب ترجمه می کرد که در محل خود بسیار مفید بود.قسمت دیگر از مندرجات مجله ترجمه هایی از مولفین خارجی مانند شیللر آلمانی بود.علاوه بر اینها مقالاتی تحت عنوان "انتقاد ادبی" به قلم مدیر مجله و اشعاری اثر طبع وی نیز درج می شد. از همان شماره اول مجله ترجمه رمان "سلطنت" تالیف "الکساندر دوما" به ضمیمه مجله چاپ ، به طوری که می توانستند در پایان سال آن را به صورت کتاب مجزایی در آورند. مجله دانشکده از مجلات بسیار مفید و خوب زبان فارسی بود که می توان آن را گنجینه ای از مطالب ادبی و تاریخی دانست. گرچه عمر این مجله زیاد دوام نیاورد ، با نشر شماره ۱۲ سال اول برای همیشه در محاق تعطیل فرو رفت ولی همان شماره های موجود حکایت از کمال ذوق و وسعت اطلاع مدیر و نویسندگان مجله می نماید. بهای سالیانه مجله همه جا ۳۰ قران و تک نمره آن دو قران بود. محل اداره مجله مدتی تهران اداره نوبهار و چندی هم در اداره روزنامه ایران و محل طبع آن مطبعه تهران بود. شماره ۱۲ و ۱۱ سال اول مجله یکجا در تاریخ برج ثور ۱۲۹۸ هجری شمسی مطابق ۲۰ آوریل ۱۹۱۹ میلادی منتشر گردید و مقاله افتتاحی آن تحت عنوان "یکسال تمام" به چاپ رسید. قسمت اول این مقاله چنین بود: "دوازدهمین شماره مجله دانشکده منتشر شد که نتیجه فکر و مساعی جوانان ادیب و نو خاستگان عالم ادب با بی اسبابی تمام و نداشتن مجال و اشتغال به تحصیلات و امتحان های سالیانه ، باز با بهترین طرز و جدی ترین اسلوبی در نمرات دوازده گانه مجله منعکس و به ارباب ذوق اهدا گردید. بی شک انکار نداریم که ایران به مجلات ادبی کامل تر و جامع تر و زیباتری محتاج بوده و نمی توان به یک مجله کوچک قناعت ورزید زیرا ایران سر زمین فکر و خیال و ذوق و فلسفه است و اختصاصی که در عالم احراز نموده همانا به ادبیات و شعر و افکار تابنده دلنشین متفکرین زیر دست خود بوده ...". از جمله افرادی که در این مجله می نگاشتند می توان به عباس آشتیانی رشید یاسمی ، اصغر شیرازی ، علی اصغر حکمت ، حیدر علی کمانی و سید اسد الله انتظام اشاره کرد.

درگذشت "هنري فورد" مخترع امريكايي و پدر صنعت اتومبيل (1947م)

هنري فورد مخترع امريكايی در 30 ژوئيه سال 1863م در خانواده‏اي فقير در امريكا به دنيا آمد. فورد از كوچكي علاقه مفرطي به پيچ و مهره و ابزار مكانيكي داشت و به هنگام كوچكي به ساعت سازي و در جواني به شغل مكانيكي روي آورد. هنري روزي ماشيني را ديد كه بدون اسب و با نيروي بخار در جاده حركت مي‏كند. وي وقتي آن را از نزديك مشاهده كرد، خودش مثل آن را ساخت و در 12 سالگي اولين ارابه پي‏اسب را مورد آزمون قرار داد. هنري اين دستگاه را تكميل نمود و در سال 1896م اتومبيل خود را براي اولين بار به نمايش گذاشت. وي در سال‏هاي بعد، اختراع خود را تكميل كرد و علي‏رغم اينكه ديگران نيز اتومبيل‏هاي مشابهي ساخته بودند، ولي در سال 1895م، رسماً امتياز اختراع اتومبيل به هنري فورد داده شد. فورد در ابتدا به همراه شرڪاي خود، شركت اتومبيل سازي ديترويت را تأسيس كرد و در سال 1903، شركت موتور فورد را به وجود آورد. او در سال 1907 سهام ديگران را خريد و از آن پس اداره شركت در خانواده او باقي ماند و ثروتي هنگفت به دست آورد. فورد با اتخاذ تدابيри، اتومبيل ارزان به تعداد بسيار توليد كرد و از اين حيث، از تمام رقباي خود پيشي گرفت. هنري فورد كه در ابتدا داراي خانواده‏اي فقير بود، پس از اين اختراع، به عنوان پدر صنعت اتومبيل‏سازي شهرت يافت و به هنگام مرگ، يك امپراتوري بزرگ در صنعت اتومبيل به وجود آورده بود. فورد سرانجام در 7 آوريل 1947م در 84 سالگي درگذشت.